

چالش‌های چارچوب حقوقی خسارت محیط زیستی در صنعت نفت و گاز فراساحل

چکیده

فعالیت‌های نفت و گاز فراساحل به فعالیت‌هایی اطلاق می‌شود که از تأسیسات دریایی (برخلاف تأسیسات خشکی) به منظور اکتشاف، بهره‌برداری و تولید نفت و یا گاز استفاده می‌کنند. فعالیت‌های مذکور بعضاً با خطراتی برای محیط زیست دریایی همراه است و خساراتی را برای محیط زیست و کشورهای مجاور ایجاد می‌نماید. حدود مسئولیت و میزان خسارت این حوادث، از موضوعات مهم در زمینه فعالیت‌های فراساحل است. جستار حاضر با روش توصیفی-تحلیلی به بررسی چارچوب حقوقی مسئولیت مذکور و چالش‌ها و نواقص مقررات بین‌المللی و منطقه‌ای موجود در صنعت نفت و گاز فراساحل پرداخته است. با وجود کنوانسیون‌های متعدد بین‌المللی و منطقه‌ای، نظام حقوقی مسئولیت محیط زیست در این صنعت، در مراحل آغازین است و هنوز به طور کامل شکل نگرفته است. هرچند که موافقتنامه‌های منطقه‌ای نسبت به کنوانسیون‌های بین‌المللی در این زمینه پیشروتر هستند اما بایستی در زمینه مسئولیت و میزان خسارت محیط زیستی، کنوانسیون‌های تدوین شود و مورد تصویب اکثریت کشورهای قرار گیرد.

کلیدواژه‌گان: نفت و گاز، فراساحل، مسئولیت، خسارت، محیط زیست

مقدمه

جهان در دهه‌های اخیر شاهد افزایش قابل توجه توسعه فعالیت‌های نفت و گاز فراساحلی بوده است. با توجه به افزایش تقاضای انرژی و نوآوری‌های فناورانه، فعالیت‌های حفاری گسترش یافته و به مناطق عمیق و فوق عمیق منتقل شده است. فرآیندهای اکتشاف و استخراج نفت و گاز می‌تواند آثار زیست محیطی گوناگونی در پی داشته باشند که بسته به مرحله فرآیند، پیچیدگی و حجم پروژه، ماهیت و حساسیت محیط اطراف، میزان اثربخشی طرح و برنامه، روش‌های پیشگیری از آلودگی و تکنیک‌های کنترل و کاهش اثرات، می‌توانند متغیر باشند. البته تلاش‌های زیادی در جهت توسعه سیستم‌های مدیریتی، روش‌های عملیاتی و فن‌آوری مهندسی به منظور کاهش آثار زیست محیطی صورت گرفته و به میزان قابل توجهی میزان خسارات زیست محیطی را کاهش داده است. فعالیت‌های مربوط به اکتشاف و استخراج می‌توانند آثار گوناگون انسانی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و اثراتی بر جو، آب‌زیان، جانوران خشکی و بطور کلی زیست کره بر جای بگذارند. به همین دلیل و دغدغه حفاظت از محیط زیست، پژوهشگران در این زمینه تحقیقاتی صورت داده‌اند. به زعم برخی محققان، در نتیجه عملیات حفاری فراساحل، صدها ترکیب و ماده استخراج شده و در دریا رها میشود که سبب آلودگی محیط می‌شود. در عین حال نظام معینی برای جبران خسارت محیط زیست در این رابطه وجود ندارد. به زعم برخی دیگر، با در نظر گرفتن پتانسیل‌های بالقوه مخرب فعالیت‌های نفت و گاز در محیط‌های دریایی، قطعاً قوانین زیست محیطی جامعی برای حفاظت از این محیط‌ها مورد نیاز است که این قوانین باید در سطوح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی، تدوین و اجرایی گردند و با قوانین ملی کشورها حمایت شوند. به زعم برخی دیگر، تدوین شاخص‌های خسارت زیست محیطی، علاوه بر جلوگیری و پیشگیری از وقوع آلودگی‌های زیست محیطی، به احراز مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در وقوع خسارات زیست محیطی کمک

۱ مریم قربانی و معصومه بشیری، ارزیابی خسارات زیست محیطی به محیط دریایی در اثر عملیات نفتی، ماهنامه علمی اکتشاف و تولید نفت و گاز، (۱۱۳)، (۱۳۹۳)، صص ۱۱-۱۷

۲ هادی ابراهیم فتح آبادی، معاهدات بین‌المللی در رابطه با جلوگیری از آلودگی محیط‌های دریایی در اثر فعالیت‌های فراساحلی اکتشاف و تولید نفت و گاز. ماهنامه علمی اکتشاف و تولید نفت و گاز، (۸۲)، (۱۳۹۰) صص ۲۳-۲۹

شایانی می‌نماید، لذا بررسی و تحلیل امکان تدوین شاخص‌های خسارات زیست محیطی در معاهدات بین‌المللی برای اثبات مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها ضروری و اجتناب ناپذیر است. برخی محققان معتقدند در صورت تقصیر دولت در حفاری فراساحل، برای جبران ضرر وارده به محیط زیست بایستی خود دولت را مسئول دانست. این که در هر صورت خسارات وارد شده به محیط زیست دریاها بدون جبران باقی نماند و صدمات آن بر پیکره جامعه بین‌المللی تحمیل نشود. برخی دیگر از محققین نیز معتقدند که مسئول شناختن اشخاص در سطح بین‌المللی برای فعالیت‌های زیانبار که سبب بروز آلودگی فراساحل می‌شود، از عدم جبران خسارات وارده به قربانیان جلوگیری می‌کند.^۳ آنچه مد نظر تحقیق حاضر است، همانطور که در پژوهش‌های پیشین پیشنهاد شده است، توصیف خطرهای وضع موجود و تبیین خلاءهای چارچوب حقوقی موجود است. امروزه تقریباً یک سوم نفت و یک چهارم گاز طبیعی مصرف‌شده در جهان از مناطق زیر دریا تأمین می‌شود. گویی این تسریع برای اکتشاف و بهره‌برداری نفت و گاز فراساحلی پایانی ندارد؛ پیش‌بینی‌ها حاکی از رشد مداوم تولید در مناطق سنتی فراساحلی (مانند آفریقای غربی و خلیج مکزیک) و توسعه قابل توجه در مناطق جدید مانند شرق آفریقا و شرق مدیترانه است. حفاری بیشتر و عمیق‌تر به معنای افزایش تهدیدات برای محیط زیست، کاهش منابع طبیعی و پیامدهای منفی بالقوه برای فعالیت‌های انسانی وابسته به این اکوسیستم‌ها است. حوادث اخیر بر روی سکوه‌های دریایی نشان داده است که خطرات زیست محیطی فعالیت‌های حفاری دریایی، مربوط به تمام مناطق جهان و انواع شرکت‌ها است. این ماهیت فرامرزی و تأثیرات این حوادث، مشاجراتی را در مورد مطلوبیت یا عدم مطلوبیت چارچوب نظارتی بین‌المللی کنونی برای فعالیت‌های نفت و گاز فراساحلی به راه انداخته است. در این راستا مشخص است که خلاءهای نظارتی هم از نظر ایمنی فعالیت‌های حفاری

۳ فرشته عباسی تبریزی، تحولات حقوق بین‌الملل در خصوص جبران خسارت ناشی از آلودگی‌های نفتی، نشریه حقوق و مطالعات سیاسی، (۴)۱، (۱۴۰۰)، صص ۳۳۰-۳۴۴.

۴ جواد صالحی و حسین آل کجیاف، مسئولیت بین‌المللی دولت حامی در بهره‌برداری از منابع ناحیه در پرتو بایسته‌های حقوق بین‌الملل محیط زیست، علوم و تکنولوژی محیط زیست، دوره ۲۳، شماره ۴، (۱۴۰۰)، صص ۲۰۱-۲۱۲.

۵ عبدالحسین شیروی و فریده شعبانی چهرمی، رژیم بین‌المللی مسئولیت ناشی از آلودگی فعالیت‌های حفاری فراساحلی، فصلنامه مطالعات حقوق عمومی دانشگاه تهران، (۲)۴۸، (۱۳۹۷)، صص ۳۵۷-۳۷۷.

۶ مانند حوادث سکوه‌های نفتی نروژ و خلیج مکزیک

دریایی و هم در رابطه با مسئولیت و جبران خسارت در صورت بروز حوادث وجود دارد. بر همین اساس، در این پژوهش چالش‌های چارچوب حقوقی خسارت محیط زیستی در صنعت نفت و گاز فراساحل مورد بررسی قرار گرفته است. روش تحقیق تحلیلی و توصیفی است که با مراجعه به مراکز کتابخانه‌ای، تحقیقاتی و پژوهشی میسر شده است. منابع استفاده شده با توجه به کمبود منابع در این زمینه بیشتر کتاب‌ها و مقالات خارجی است که شامل توصیف و تحلیل و طرح رویه قضایی در کشورهای دیگر است. برای دستیابی به مقصود جستار، ابتدا در قسمت نخست به بررسی چالش‌های چارچوب حقوقی پرداخته شده است. در قسمت بعدی نیز چرایی چالش‌های موجود در اسناد و موافقتنامه‌های محیط‌زیستی مورد تبیین قرار گرفته‌اند.

۱. چالش‌ها

ابتدائاً بایستی چالش و خلاءهای حقوقی را مورد بررسی و ارزیابی قرار داد و آنگاه به تبیین و چرایی آنها پرداخت. لذا، در ادامه چالش‌های چارچوب حقوقی را بررسی نموده‌ایم.

۱.۱. فقدان چارچوب نظارتی برای ایمنی زیست محیطی فعالیت‌های حفاری دریایی

قوانین ملی تنظیم‌کننده فعالیت‌های نفت و گاز فراساحلی بسیار متفاوت است. برخی از قوانین ملی به هر مرحله از چرخه استخراج نفت - از مرحله اکتشاف تا برچیدن تأسیسات دریایی - می‌پردازد، در حالی که برخی دیگر به مرحله تولید محدود می‌شود. هدف برخی از قوانین رسیدگی به اثرات زیست محیطی اکتشاف و بهره برداری فراساحلی است در حالی که برخی دیگر به طور کامل بر تسهیل توسعه فعالیت‌های فراساحلی تمرکز دارند. علاوه بر این، اجرای مؤثر قوانین ملی نیز متفاوت است. در این راستا، فقدان ظرفیت در بسیاری از کشورهای در حال توسعه، آنها را از کنترل و نظارت مؤثر بر توسعه فعالیت‌های فراساحلی و اجرای مقررات، در صورت وجود، باز می‌دارد. علاوه بر این، شکاف در نظارت در سطح بین‌المللی نیز مشکل را دوچندان می‌کند. علی‌رغم مقررات مربوط به کنوانسیون حقوق دریاها، تا به امروز هیچ کنوانسیون بین‌المللی در مورد ایمنی فعالیت‌های حفاری دریایی تصویب نشده است و در حال حاضر هیچ فرآیند مستمری برای جبران این شکاف

شکل نگرفته است؛^۷ هرچند که پیشتر، تلاش‌هایی صورت گرفته است که ناکام مانده‌اند. پیش‌نویس کنوانسیون ۱۹۷۷ در مورد کشتی‌های متحرک دریایی که توسط کمیته بین‌المللی دریایی^۸ تهیه شد، با هدف اعمال کنوانسیون‌های موجود در مورد ناوبری در فعالیت‌های دریایی بود، اما توسط سازمان بین‌المللی دریانوردی تأیید نشد.

جدیدترین تلاش برای توسعه توافقنامه‌ای بین‌المللی که در چارچوب کشورهای گروه ۲۰ مورد بحث قرار گرفت، در نهایت فراتر از بحث‌های مقدماتی پیشرفتی نکرد. این ناکامی‌ها نشان‌دهنده دشواری مسیر جامعه بین‌المللی در راستای توافق بر سر توسعه یک سند الزام‌آور برای تنظیم یک چارچوب حقوقی دقیق است که برای بسیاری از کشورها و محیط زیست دریایی، حیاتی تلقی می‌شود. در عین حال، شکاف‌ها در چارچوب حقوقی جهانی به تدریج منجر به توسعه ابزارهای منطقه‌ای شد، اگرچه این ابزارها بسیار پراکنده و ناکافی هستند. چارچوب منطقه‌ای، دارای نقاط قوت است: ۱) موافقت‌نامه‌های منطقه‌ای از نظر جامعیت متفاوت هستند، برخی (خلیج فارس/ منطقه دریای عمان، مدیترانه و اقیانوس اطلس شمال شرقی) نسبت به سایرین (مثلاً قطب شمال) دقیق‌تر هستند. اکتشاف و بهره‌برداری نفت و گاز در قطب جنوب کاملاً ممنوع است؛ ۲) موافقت‌نامه‌های منطقه‌ای دارای حوزه‌های حقوقی ناهمگون هستند: برخی الزام‌آور هستند در حالی که برخی دیگر فقط ابزارهای حقوقی نرم هستند؛ ۳) سطوح مختلفی از اجرا برای توافقنامه‌های منطقه‌ای وجود دارد: برخی از آنها چندین سال پیش به تصویب رسیدند (منطقه خلیج فارس/ دریای عمان و شمال شرق اقیانوس اطلس) اما برخی دیگر به تازگی لازم‌الاجرا شده‌اند (دریای مدیترانه) یا هنوز در مرحله پیش‌نویس هستند (غرب، مرکز و جنوب آفریقا و غرب اقیانوس هند)؛ ۵) هیچ‌گونه

7 Lucien Cabason, "Offshore oil exploitation: a new frontier for international environmental law", IDDRI; SciencesPO, Working Paper N°11/11, (2011), available at: <https://www.iddri.org/sites/default/files/import/publications/wp_1111_chabason_offshore.pdf> (accessed by 3/3/2023)

^۸Comité Maritime International (CMI)

هماهنگی و یا به اشتراک‌گذاری تجربیات بین مناطق مختلف مذکور راجع به مقررات حفاری دریایی وجود ندارد.^۹

۲.۱. فقدان قوانین بین‌المللی مشخص در مورد مسئولیت و جبران خسارت

در ارتباط با فعالیت صنعت نفت و گاز فراساحل در حوزه داخلی و ملی مصائب حقوقی چندانی وجود ندارد چرا که منافع چند دولت در میان نیست بلکه صرفاً یک دولت طرف قضیه است. به عنوان مثال، در سال ۱۹۹۴ واقعه اکسون والدرز؛^{۱۰} خلیج ایالت آلاسکا را به هزاران لیتر مواد نفتی آلوده ساخت. همچنان با گذشت بیش از بیست سال از آن حادثه، خلیج آلاسکا همچنان آلوده است و نفت بر سطح خلیج باقی‌مانده است. دادگاه در این قضیه، شرکت اکسون را به پرداخت خسارت کیفری به دولت ایالتی و دولت فدرال محکوم ساخت که مجموعاً ۱۱۵۰ میلیون دلار برآورد گردید.^{۱۱} همچنین در قضیه اکسون موبیل علیه دولت فدرال؛^{۱۲} شرکت مذکور جلوگیری از حفاری نفت در فراسوی ساحل کالیفرنیا را خلاف قانون فدرال و ایالت کالیفرنیا می‌دانست. با این حال دیوان عالی آمریکا ضمن تأیید حکم دادگاه استیناف اشعار داشت که تصمیم دادگاه استیناف مبنی بر تأیید خودداری وزارت کشور از صدور مجوزهای حفاری به علت خطرات محیط زیستی و انقراض گونه‌های در معرض خطر صحیح بوده چرا که دادگاه اثرات زیست محیطی حفاری فراساحل را به طور وسیعی ارزیابی نموده و به طور منصفانه و معقول شرکت خاطی را محکوم کرده است.

بر خلاف سطح ملی و داخلی، در حال حاضر هیچ قانون و مقرره جهانی برای تنظیم مسئولیت و جبران خسارت آلودگی ناشی از فعالیت‌های حفاری دریایی فراساحل وجود ندارد و هیچگونه

^۹Julien Rochette, Matthieu Wemaëre, Lucien Chabason, Sarah Callet, Seeing beyond the horizon for deepwater oil and gas: strengthening the international regulation of offshore exploration and exploitation, *IDDRI, SciencesPO*, Study N°01/14, (2014) available at:

https://www.iddri.org/sites/default/files/import/publications/st0114_jr-et-al_offshore-en.pdf (accessed by 3/3/2023)

^{۱۰}Exxon Valdez Oil Spill

^{۱۱} مریم قربانی و معصومه بشیری، پیشین، ص ۱۷

1 ExxonMobil and DCOR, LLC vs. Federal Government

توافق بین‌المللی خاصی تاکنون به تصویب نرسیده است.^۳ بعلاوه کنوانسیون مسئولیت مدنی بروکسل برای خسارات ناشی از آلودگی نفتی، خطرات آلودگی و آسیب‌های زیست محیطی ناشی از عملیات نفت و گاز دریایی را پوشش نمی‌دهد. در نهایت، قرارداد مسئولیت آلودگی فراساحلی^۴ یک رژیم حقوقی خصوصی است و از نظر پوشش جغرافیایی محدود و جبران خسارت در آن در سطح نسبتاً نازلی پیش‌بینی شده است. حادثه مونتارا^۵ در استرالیا در سال ۲۰۰۹ واقع‌ای بود که بحث در مورد مطلوبیت چارچوب حقوقی بین‌المللی تنظیم‌کننده مسئولیت و غرامت در حوادث ناشی از فعالیت‌های حفاری فراساحل را گشود. سکوی مونتارا که در ۲۵۰ کیلومتری ساحل شمال غربی استرالیا قرار داشت، در حین حفاری چاه جدیدی، منفجر شد. به گفته مقامات کشور اندونزی، لکه نفتی به وجود آمده در نتیجه انفجار، به محیط زیست دریایی در آب‌های اندونزی آسیب رساند و جوامع ساحلی پیرامون مونتارا را که معیشت ایشان به دریا و منابع زندگی آن وابسته بود، با مشکلات اجتماعی-اقتصادی مواجه کرد. همچنین در غیاب پوشش بیمه‌ای مناسب برای پیمانکار، به‌ویژه به دلیل اختلاف در مورد میزان ادعایی خسارت، تاکنون غرامتی به خسارت‌دیدگان پرداخت نشده است. نگرانی فزاینده دولت اندونزی این بود که در حالی که چنین پیمانکارانی معمولاً بیمه دارند، بیمه خسارت را مطابق با محدودیت‌های نظارتی تعیین شده توسط نهادهای ملی که حفاری دریایی را در کشوری که دفتر مرکزی آن شرکت است، تنظیم می‌کند. مقدار چنین بیمه‌ای ممکن است محدود باشد و ممکن است بر اساس قوانین ملی هر دولتی متفاوت باشد. در این واقعه، آنچه غایب است، یک استاندارد بین‌المللی یکسان است که برای تمام حوادث از این نوع، قابل اعمال باشد. لازم به ذکر است که از سال ۲۰۱۰، بحث در سازمان بین‌المللی دریانوردی در مورد پیشنهاد اندونزی برای توسعه یک معاهده بین‌المللی در مورد مسئولیت و غرامت متوقف شده است.

۳.۱. خطرات ادامه وضعیت موجود

1 Tullio Scovazzi, "Maritime Accidents with particular emphasis on liability and compensation for damage from the exploitation of mineral resources of the seabed", In de Guttery A. et al (Eds), International disaster response law, (Asser Press, The Hague, The Netherlands, 2012), p. 33

©POL

Montara

از نظر ایمنی زیست‌محیطی فعالیت‌های حفاری فراساحل، چندین خطر را باید برجسته ساخت: (۱) خطر مقررات نامناسب یا نامتناسب، پراکنده یا ناموجود که منجر به حفاظت نابرابر از محیط‌زیست و خطر انهدام محیط‌زیستی می‌شود. (۲) خطر عدم اجرای موافقت‌نامه‌های ملی و یا منطقه‌ای در صورتی که ظرفیت دولت‌ها تقویت نشود. (۳) خطر خودتنظیمی صرفاً توسط هنجارهای داوطلبانه: فراتر از شرکت‌های بزرگی که گاهی استانداردهای زیست‌محیطی را تدوین کرده‌اند، به‌ویژه از طریق انجمن بین‌المللی تولیدکنندگان نفت و گاز؛ بخش فراساحلی نیز متشکل از شرکت‌های کوچکی است که کمتر پاسخگو هستند و توجه یکسانی به حفاظت از محیط زیست ندارند. بنابراین، در صورت عدم تهیه و تدوین قوانین مربوط به مسئولیت و جبران خسارت، می‌توان چندین ریسک دیگر را برجسته ساخت: (۱) خطر عدم قطعیت حقوقی که منجر به اختلافات سیاسی میان دولت‌ها می‌شود. (۲) خطر پرداخت ناکافی یا نامتناسب یا عدم پرداخت خسارت به خسارت‌دیدگان در صورت عدم وجود قوانین جامع و بسنده؛ (۳) خطر ورشکستگی با توجه به عدم توانایی مالی بسیاری از پیمانکاران کوچک برای پرداخت مطالبات.^{۱۷}

۲. تبیین خلاءهای چارچوب حقوقی موجود

مقررات بین‌المللی زیست‌محیطی در مورد انواع فعالیت‌های تولید انرژی در دریا به کنوانسیون حقوق دریاهای مرتبط است.^{۱۸} بر این اساس، کشورهای ساحلی موظف هستند از همه ابزارهایی که در اختیار دارند «برای جلوگیری، کاهش و کنترل آلودگی محیط زیست دریایی ناشی از فعالیت در بستر دریا یا در ارتباط با فعالیت در بستر دریا، جزایر مصنوعی، تأسیسات و سازه‌های تحت صلاحیت خود» بهره‌جویند.^{۱۹} تکلیف ایشان برای جلوگیری از آلودگی نه تنها مستلزم تصویب قوانین و مقررات لازم است، بلکه در عین حال باید در اجرای آن‌ها اهتمام خاصی از خود نشان دهند و

©GP

Peter Cameron., "Liability for catastrophic risk in the oil and gas industry", *International Energy Law Review*, Volume 6, (2012), pp. 209-210.

1 Veronica Frank, 'the European Community and Marine Environmental Protection in the International Law of the Sea: Implementing Global Obligations at the Regional Level', (London: Martinus Nijhoff., 2007), p. 24

۱۹ کنوانسیون حقوق دریاهای بند ۱ ماده ۲۰۸

اطمینان حاصل نمایند که فعالیت‌های بازیگران خصوصی در این زمینه، از صلاحیت ایشان خارج نشده و آسیب قابل توجهی به محیط زیست دریایی وارد نخواهد کرد. انتظار این است که دولت‌ها برای جلوگیری از آلودگی تلاش نمایند؛ اما، نمی‌توان تضمین کرد که در نهایت آسیبی رخ نخواهد داد.^۱ به عبارت دیگر، این تعهد دولت‌ها را ملزم به دستیابی به یک نتیجه معین نمی‌سازد؛ بلکه، صرفاً تعهدی رفتاری است. با این حال، الزام به انجام تمام اقدامات مناسب برای جلوگیری از آسیب زیست محیطی، دولت‌ها را ملزم به رعایت استانداردهای دقت لازم می‌کند.^۲ معیار اهتمام لازم و کافی،^۳ بازتاب رفتار مورد انتظار دولت مطلوب است، زیرا مستلزم اتخاذ قوانین و اقداماتی در سطح داخلی و قابل اجرا برای نهادهای دولتی و خصوصی است که می‌تواند از آسیب‌های زیست محیطی فرامرزی جلوگیری نماید یا آنها را محدود سازد.^۴

در چارچوب‌های هنجاری الزام به پیشگیری، معیار اهتمام لازم و کافی، در برابر گسترش ماهوی و رویه‌ای این تعهد ابتدایی سنجیده می‌شود؛^۵ یعنی انتظار می‌رود دولت تدابیر معقول اتخاذ نماید و از اجرای مؤثر آن تدابیر محافظت کند و همزمان با سایر کشورهایی که به طور بالقوه در معرض آسیب هستند، همکاری نماید. در این زمینه، تعهدات رویه‌ای زیست محیطی دولت برای همکاری با حسن نیت در کاهش آسیب‌های زیست محیطی فرامرزی (از طریق انجام ارزیابی اثرات زیست محیطی (EIA)،^۶ اطلاع‌رسانی، مشورت و نظارت بر اثرات فعالیت‌های خطرناک بر

2 Responsibilities and Obligations of States Sponsoring Persons and Entities with Respect to Activities in the Area (Advisory Opinion) (2011), ITLOS Rep., pp. 117–118

2 Pierre-Marie Dupuy, 'Reviewing the Difficulties of Codification: On Ago's Classification of Obligations of Means and Obligations of Result in Relation to State Responsibility', *European Journal of International Law*, 10, (1999). p. 375

2 International Law Commission (ILC) 'Draft Articles on Prevention of Transboundary Harm from Hazardous Activities' UN Doc A/56/10 (11 May 2001), p. 154

due diligence

2 International Law Commission (ILC), (11 May 2001), op. cit., pp. 153-154

2 International Law Association (ILA) Study Group on Due Diligence in International Law, 'First Report' (7 March 2014), p. 28

environmental impact assessment

محیط‌زیست) دارای استقلال باشد^{۳۷} که این موارد از عناصر عینی اساسی الزام به پیشگیری محسوب می‌شوند.^{۳۸} به نظر می‌رسد که این ارتباط بین اهتمام خاص و تعهدات ابتدایی زیست‌محیطی در پرونده پالپ میلز^{۳۹} مورد تأیید قرار گرفته است جایی که دیوان بین‌المللی دادگستری (ICJ) حکم داده است که: «اگر یکی از طرفین، برنامه‌ریزی برای انجام اموری که می‌تواند رژیم رودخانه یا کیفیت آب آن را تحت تأثیر قرار دهد را مورد ارزیابی اثرات زیست‌محیطی در مورد پیامدهای بالقوه چنین اموری قرار ندهد، اهتمام خاص و الزام به پیشگیری را ترتیب اثر نداده است.»^{۴۰} بنابراین، دولت‌ها موظف هستند در حالی که ماهیت الزام به پیشگیری، اختیار نظارتی را در اجرای آن پیش می‌نهد، اهتمام لازم را صورت دهند و حداقل با قواعد، استانداردها و رویه‌های توصیه‌شده و عرف بین‌المللی انطباق یابند.^{۳۱}

نظرات مشورتی در مورد مسئولیت‌های کشورهای حامی در منطقه و ماهیگیری غیرقانونی و گزارش‌نشده (IUU) و همچنین حکم داوری دریای چین جنوبی، برخی از ارکان مهم معیار اهتمام لازم و کافی را روشن کرده‌اند.^{۴۱} اولاً، تأیید شده است که معیار اهتمام لازم و کافی یک «مفهوم متغیر» است و محتوای الزام به پیشگیری را به شرایط مورد خاص وابسته می‌سازد. انعطاف‌پذیری معیار اهتمام لازم امکان را فراهم می‌سازد که محتوای تعهد در رابطه با خطرات ناشی از یک

2 Yshifumi Tanaka, 'Costa Rica v Nicaragua and Nicaragua v Costa Rica: Some Reflections on the Obligation to Conduct an Environmental Impact Assessment', *Review of European, Comparative and International Environmental Law*, 26, (2017), pp. 92–96.

2 See: Ilias Plakokefalos, 'Prevention Obligations in International Environmental Law', *Yearbook of International Environmental Law*, Amsterdam Law School Research Paper, No. 37, Amsterdam Center for International Law, (2013).
Rulp Mills

3 Rulp Mills on the River Uruguay (Argentina v Uruguay) (Judgment) ICJ Rep 14 para 204, (2010), p. 204.

^{۳۱} کنوانسیون حقوق دریاها، بند ۳ ماده ۲۰۸

3 Request for an Advisory Opinion Submitted by the Sub- regional Fisheries Commission (SRFC) (Advisory Opinion) (2015) ITLOS Rep 4, p. 4; South China Sea Arbitration (Philippines v China) (PCA Case No 2013- 19) ICGJ 495., (12 July 2016), p495

فعالیت تعدیل شود، زیرا معیار بالاتری از مراقبت برای فعالیتهای پرخطرتر مورد انتظار است. در حقوق دریاهای، اهتمام لازم می‌تواند ماهیت فنی قدرتمندی داشته باشد، یعنی «قابلیت اندازه‌گیری از نظر استانداردهای فنی و علمی رفتار که معمولاً توسط دولت‌ها پذیرفته شده است.»^{۳۳} لازم است دولت‌ها پیشرفت‌های فناورانه معاصر را در نظر بگیرند،^{۳۴} زیرا پیشرفت‌های علمی در مورد خطرات ناشی از فعالیتهای خاصی ممکن است سطح اهتمام لازم را افزایش دهد.^{۳۵} علاوه بر این، اقدامات زیست‌محیطی اتخاذ شده توسط دولت‌ها ممکن است همیشه مناسب‌ترین تدابیر نباشد؛ اما، دولت‌ها باید به طور منظم این تدابیر را مورد بازنگری قرار دهند تا در مواجهه با پیشرفت‌های جدید به وظایف خود برای اعمال اهتمام لازم عمل نمایند.

اگرچه کنوانسیون حقوق دریاهای دولت‌ها را موظف می‌کند تا اسناد بین‌المللی زیست‌محیطی بیشتری را توسعه دهند،^{۳۶} پیشرفت محدودی در اتخاذ قوانین و استانداردهای بین‌المللی دقیق برای فعالیتهای انرژی دریایی در سطح جهانی حاصل شده است.^{۳۷} یکی از دلایل ممکن است این باشد که بیشتر این فعالیتهای در مناطقی در حوزه‌های در صلاحیت داخلی انجام می‌شوند که در آنف دولت‌ها دارای حقوق حاکمیتی انحصاری هستند. وقتی صحبت از فعالیتهای نوپای انرژی‌های تجدیدپذیر دریایی به میان می‌آید، قوانین زیست‌محیطی جهانی خاص، حتی اگر وجود داشته باشد هم اندک است. به موازات چارچوب زیست‌محیطی کنوانسیون حقوق دریاهای، کنوانسیون‌های جهانی که بر مقررات زیست‌محیطی فعالیتهای انرژی فراساحلی تأثیر دارند، در

3 ILA Study Group on Due Diligence in International Law, Second Report, (2016), pp. 29-30

3 International Law Commission (ILC) 'Draft Articles on Prevention of Transboundary Harm from Hazardous Activities' UN Doc A/56/10 (11 May 2001), p.162

3 Ling Chen, 'Realizing the Precautionary Principle in Due Diligence', Dalhousie Journal of Legal Studies, 25, (2016), p. 16

۳۶ کنوانسیون حقوق دریاهای، بند ۵ ماده ۲۰۸

3 Ton Ilstra, (2003), 'Pollution from Offshore Installations: The Kuwait Protocol', Marine Pollution Bulletin, 8.; Mikhail Kashubsky, 'Marine Pollution from the Offshore Oil and Gas Industry: Review of Major Conventions and Russian Law, Part 1' 151 Maritime Studies 1. (2006).

دو دسته بزرگ‌تر قرار می‌گیرند: (۱) آن‌هایی که معمولاً تحت نظارت سازمان بین‌المللی دریانوردی (IMO) به منابع مختلف مانند آلودگی دریایی همچون آلودگی ناشی از تخلیه یا حمل و نقل می‌پردازند و (۲) مواردی که به حفاظت از طبیعت و جلوگیری از دست‌دادن تنوع زیستی دریایی مربوط می‌شود.^{۳۸} تأثیرات زیست‌محیطی انرژی‌های تجدیدپذیر دریایی (حداقل به‌طور غیرمستقیم) در دسته دوم معاهدات مورد بررسی قرار می‌گیرد، زیرا تأسیسات مورد استفاده برای تولید انرژی‌های تجدیدپذیر دریایی، انواع سنتی آلاینده‌ها را در دریا منتشر نمی‌سازد.

۲.۱. ارتباط کنوانسیون‌های IMO به تولید انرژی در دریا

در دسته نخست، کنوانسیون بین‌المللی برای جلوگیری از آلودگی کشتی‌ها (MARPOL)^{۳۹} کنوانسیون دامپینگ لندن ۱۹۷۲^{۴۰} و کنوانسیون بین‌المللی آمادگی، واکنش و همکاری در برابر آلودگی نفتی (OPRC)^{۴۱} نمونه‌های ابزارهایی هستند که در درجه اول متمرکز بر پیشگیری و کنترل تخلیه‌های عملیاتی و تصادفی کشتی‌ها هستند. با این حال تا حدودی، همچنین مربوط به آلودگی ناشی از تأسیسات انرژی در دریاها هستند. تعهدات مربوطه تحت این کنوانسیون‌ها، با توجه به دامنه کاربرد منطقی آن‌ها، تا حدی فعالیت‌های مربوط به بهره‌برداری از سکوها یا شناور در تولید انرژی دریایی را پوشش می‌دهد. در اصل، این اسناد تعهداتی را به صورت فردی یا جمعی، بر دولت‌ها تحمیل می‌کند تا تمام اقدامات عملی لازم را برای جلوگیری از آلودگی دریایی ناشی از منابع مختلف (تخلیه زباله، حوادث ناشی از آلودگی نفتی از واحدهای فراساحلی) اتخاذ نمایند. به عنوان مثال، مقررات ۲۱ مارپل به طور خاص سازه‌های دریایی را ملزم می‌سازد تا زمانی که در اکتشاف، بهره‌برداری و فرآوری دریایی مرتبط با منابع معدنی بستر دریا هستند، تا آنجایی که ممکن

3 Youna Lyons, 'Transboundary Pollution from Offshore Oil and Gas Activities in the Seas of Southeast Asia' in Warner, R. and Marsden, S. (eds), 'Transboundary Environmental Governance in Inland, Coastal and Marine Areas', (London: Ashgate, 2012), pp. 11-12

۳۹Convention for the Prevention of Pollution from Ships

۴۰the 1972 London Dumping Convention

۴۱the 1990 International Convention on Oil Pollution Preparedness, Response and Co-operation

باشد، مجهز به دستگاه‌های کنترل آلودگی مورد نیاز برای کشتی‌های ۴۰۰ تن و بالاتر باشند از جمله سیستم نظارت و کنترل تخلیه روغن، جداسازی آب روغنی و تجهیزات فیلتر روغن و مخازن باقیمانده روغن. بزر اساس کنوانسیون OPRC، اپراتورهای تأسیسات انرژی دریایی ملزم به تدوین برنامه‌های اضطراری آلودگی نفتی هستند و موظف هستند فوراً هرگونه تخلیه نفت را گزارش کنند. این مقررات دقیق‌تر که مستلزم اقدامات اجرایی خاص است، محتوای اساسی تعهدات الزام به پیشگیری دولت‌ها هستند. همچنین این مقررات با تحمیل تعهدات دقیق‌تر، اختیارات گسترده‌ای را که دولت‌ها در تنظیم عملکرد تأسیسات انرژی دریایی دارند، محدود می‌کنند.^{۴۳}

۲.۲. ابزارهای مرتبط با تنوع زیستی دریایی

کنوانسیون‌های مرتبط با تنوع زیستی پیامدهای بیشتری برای تنظیم فعالیت‌های انرژی دریایی در نظر گرفته‌اند. در حالی که این کنوانسیون‌ها حاوی قوانین صریح برای فعالیت‌های استخراج انرژی در دریا نیستند، اما تعهداتی را برای دولت‌ها ایجاد می‌کنند تا اقدامات مدیریت حفاظت را برای حفاظت از مناطق یا گونه‌های دریایی اتخاذ نمایند. چنین اقدامات حفاظتی می‌تواند به طور غیر مستقیم بر تنظیم فعالیت‌های انرژی دریایی تأثیر بگذارد. هدف این ابزارها، محدود ساختن، تحدید یا حتی منع فعالیت‌های خطرناک برای حفاظت از تنوع زیستی است و بنابراین به برنامه‌ریزی، مکان‌یابی و بهره‌برداری از پروژه‌های تولید انرژی دریایی مرتبط می‌شود. بته عنوان مثال، کنوانسیون ۱۹۹۲ در مورد تنوع زیستی (CBD) دولت‌ها را ملزم می‌سازد تا حد امکان و مناسب، اقداماتی را برای توقف تخریب گونه‌ها، زیستگاه‌ها و اکوسیستم‌ها انجام دهند. آاین قانون مقرر می‌دارد که دولت‌ها باید فرآیندها و دسته‌بندی‌هایی از فعالیت‌هایی را که اثرات نامطلوب قابل توجهی بر حفظ یا استفاده پایدار از تنوع زیستی دارند یا احتمالاً می‌توانند داشته باشند، شناسایی نموده و هنگامی که این اثرات مشخص شد، باید این گونه فعالیت‌ها را «تنظیم و مدیریت کنند».^{۴۴}

۴۲ ضمیمه نخست مارپل

۴۳ ماده ۶، بند ۲

4 Lyons, (2012), op. cit. p. 188
the 1992 Convention on Biological Diversity

۴۶ بند ۱ ماده ۷

۴۷ بند ۱ ماده ۷ و ۸

به طور مشابه، کنوانسیون حفاظت از گونه‌های مهاجر (CMS)^{۴۸}؛ کنوانسیون تالاب‌های با اهمیت بین‌المللی (کنوانسیون رامسر)^{۴۹} و کنوانسیون بین‌المللی مقررات صید نهنگ^{۵۰} می‌توانند پیامدهایی برای مقررات تولید انرژی دریایی داشته باشند. برای مثال، بر اساس قانون حفاظت از گونه‌های مهاجر، دولت‌های دارای مراتع گسترده تعهدی غیرمشروط برای ممنوع‌ساختن هرگونه «صید و شکار» گونه‌های حفاظت شده دارند که می‌تواند به‌مثابه مبنای حقوقی برای اتخاذ تدابیری برای کاهش آسیب به گونه‌های مهاجر توسط تأسیسات انرژی فراساحلی باشد.^{۵۱} علاوه بر این، چندین قطعنامه که توسط موافقت‌نامه‌های زیست‌محیطی و گزارش‌های کمیته‌های علمی آن‌ها به تصویب رسیده‌اند، به صراحت به جنبه‌های زیست‌محیطی انرژی‌های تجدیدپذیر دریایی پرداخته‌اند. این قطعنامه‌ها از کشورهای متعاقد می‌خواهند مجوز فعالیت‌های انرژی دریایی EIA (اداره اطلاعات انرژی ایالات متحده) را اخذ کنند و بهره‌گیری از بهترین شیوه‌های زیست‌محیطی (BEP)^{۵۲} و بهترین تکنیک‌های موجود (BAT)^{۵۳} را توصیه می‌کنند.

۳.۲. ماهیت مبهم تعهدات زیست‌محیطی

چارچوب حقوقی بین‌المللی که برخی از جنبه‌های خطرات زیست‌محیطی ناشی از تولید انرژی دریایی را تنظیم می‌کند، عمدتاً ماهیتی بخشنامه‌ای و توصیه‌ای دارد. اسناد کنوانسیون سازمان بین‌المللی دریانوردی تنها تا حدی به منابع خاصی از آلودگی دریایی ناشی از تأسیسات نفت و گاز دریایی مربوط می‌شود، در حالی که به نظر می‌رسد موافقت‌نامه‌های تنوع زیستی پیامدهای تأثیر نامطلوب فعالیت‌های انرژی دریایی بر حفاظت از تنوع زیستی دریایی را پیش‌بینی می‌نمایند. علیرغم اهمیت چنین ابتکاراتی و به استثنای معدودی از این موافقتنامه‌ها، اکثرشان دارای الزامات

^{۴۸}The Convention on the Conservation of Migratory Species

^{۴۹}The Convention on Wetlands of International Importance (Ramsar Convention)

^{۵۰}The International Convention for the Regulation of Whaling

^{۵۱} James Harrison, 'Saving the Oceans through Law: The International Legal Framework for the Protection of the Marine Environment', (Oxford: Oxford University Press, 2017), p. 52

^{۵۲}Best environmental practices

^{۵۳}Best available techniques

رفتاری متوسطی هستند. دولت‌ها الزامی برای دستیابی به یک نتیجه معین ندارند، اما از آنها انتظار می‌رود تمام اقدامات مناسب و لازم را برای دستیابی به پیشگیری از آسیب به محیط زیست دریایی انجام دهند. اگرچه معیار اهتمام لازم به‌مثابه معیار مورد نیاز حفاظت، نقش اساسی ایفا می‌کند، با این وجود، موافقت‌نامه‌های جهانی زیست‌محیطی عمدتاً در ارائه رهنمودهای هنجاری روشن در مورد معیار مذکور که از دولت‌ها انتظار می‌رود اعمال نمایند، ناکام هستند.^{۵۴}

اعمال تعهدات رفتاری در موافقت‌نامه‌های زیست‌محیطی بازتاب اصل سنگ بنای حاکمیت دائمی بر منابع طبیعی است. ایجاد تعهدات مبهم رفتاری به‌مثابه محملی برای تن دادن به حقوق حاکمیتی دولت‌ها است؛ در واقع به ایشان اختیار گسترده‌ای را در انجام وظایف برای تنظیم مقررات می‌دهد و در عین حال، منع کامل توسعه فعالیت‌های اقتصادی، مانند تولید انرژی در دریا را اعمال نمی‌کند. علاوه بر این، مذاکره در مورد توافق‌های جهانی محیط‌زیست معمولاً تحت تأثیر تنش میان جلب مشارکت جهانی و ایجاد تعهدات قانونی واضح و صریح است. به این معنا، جمله‌بندی مبهم متون، بازتاب سازش‌هایی است که در طول فرآیند قانون‌گذاری صورت گرفته است. به عنوان مثال، حتی اگر کنوانسیون تنوع زیستی تقریباً از پذیرش جهانی برخوردار است، بیشتر تعهدات آن با عبارات مبهم بیان شده است و توسط معیارهایی مانند «تا آنجایی که ممکن است و مطلوب» تقلیل می‌یابد.^{۵۵} لذا بدین ترتیب است که ابزارهای جهانی در ارائه استانداردهای زیست‌محیطی مشخص برای فعالیت‌های تولید انرژی در صنعت فراساحل شکست می‌خورند.

۲.۴. اسناد غیر الزام‌آور سازمان‌های بین‌المللی

وقتی صحبت از معیارها می‌شود، ابتدا باید ابزارهای غیرالزام‌آور مربوط به فعالیت‌های تولید انرژی دریایی را که توسط IMO پذیرفته شده است، تصدیق کرد. به عنوان مثال، در سال ۲۰۰۹ مجمع IMO نسخه سوم آیین‌نامه ساخت و تجهیز واحدهای متحرک حفاری دریایی (MODU)

5 Harrison, (2017), op. cit., p.452

5 Aie Trouwborst et al., 'International Wildlife Law: Understanding and Enhancing its Role in Conservation', BioScience, 67. (2017), p. 784

Code) ۶۴ تصویب نمود. در سال ۲۰۱۰، کمیته حفاظت از محیط زیست دریایی (MEPC) ۶۷ ایزاری را برای کمک به کشورها در توسعه مقررات ایمنی، پیشگیری از آلودگی و امنیت تأسیسات ذخیره‌سازی و تخلیه تولید شناور (FPSO) ۶۸ و واحدهای ذخیره‌سازی شناور (FSUs) ۶۹ صادر کرد. علاوه بر IMO، آژانس بین‌المللی انرژی‌های تجدیدپذیر (IRENA) ۷۰ با همکاری انجمن‌های حرفه‌ای انرژی‌های تجدیدپذیر، ۶ مانند کمیسیون بین‌المللی الکتروتکنیک، ۶۲ استانداردها و گزارش‌هایی را برای انرژی‌های تجدیدپذیر جمع‌آوری کرده‌اند که بیشتر خطاب به صنعت و تنظیم‌کننده‌های ملی است. آژانس مذکور با توجه به استانداردهای زیست‌محیطی، همچنین خلاصه‌هایی از فناوری انرژی‌های تجدیدپذیر در مورد تبدیل انرژی حرارتی اقیانوس، انرژی شوری، انرژی جزر و مد و امواج منتشر کرده است. ۶۳

پرسش این است که آیا این اسناد غیرالزام‌آور می‌توانند تأثیر هنجاری بر معیار اهتمام لازم داشته باشند؟ در حالی که این اسناد توسط برخی از محققان به‌مثابه نمونه‌هایی از معیارهای بین‌المللی برای اعمال ماده ۲۰۸ (۳) حقوق دریاها در نظر گرفته شده است، به نظر می‌رسد محتوای حقیقی آنها برای این منظور نارسا و ناکافی باشد. اگرچه کنوانسیون حقوق دریاها در مورد معنای معیارها، رویه‌ها و شیوه‌های توصیه‌شده سکوت می‌کند، بند ۵ ماده ۲۰۸ حقوق دریاها تعهدی به هم مرتبط برای دولت‌هایی ایجاد می‌کند که به‌طور فردی یا از طریق سازمان‌های بین‌المللی ذی‌صلاح یا کنفرانس دیپلماتیک اقدام می‌کنند تا آن معیار بین‌المللی را ایجاد نمایند. یکی دیگر از الزامات ضمنی این است که محتوای اسناد باید بتواند قوانین و مقررات مصوب دولت‌ها را اطلاع

۶۴Code for the Construction and Equipment of Mobile Offshore Drilling Units

۶۵Marine Environmental Protection Committee

۶۶floating production storage and offloading facilities

۶۷floating storage units

۶۸International Renewable Energy Agency

۶۹renewable energy professional associations

۷۰the International Electrotechnical Commission

6 IRENA, 'New IRENA Platform Supports Renewable Energy Innovation, Quality and Collaboration' (6 July 2015).

دهد. بنابراین، ماهیت هنجاری آن‌ها و زبان مورد استفاده باید راهنمایی‌هایی را در این مورد ارائه دهد که با هدف تبدیل شدن به معیار بین‌المللی مورد پذیرش همگان تهیه شده‌اند.^{۶۴}

از این منظر، به نظر می‌رسد که ابزارهای مذکور با هدف ارائه معیارهایی که بتواند محتوای تکالیف دولت‌ها را برای تنظیم اثرات بیرونی زیست‌محیطی فعالیت‌های تولید انرژی در دریا را روشن نماید، کافی نیست. به عنوان مثال، قانون ساخت و تجهیز واحدهای حفاری سیار فراساحل سال ۲۰۰۹ (MODU) تنها مربوط به ساخت‌وساز و تجهیزات تأسیسات دریایی است و هدف آن اطمینان از ایمنی این دستگاه‌ها و پرسنل کار بر روی آنها است. هیچ استاندارد زیست‌محیطی برای بهره‌برداری از تأسیسات دریایی ارائه نمی‌کند که برای اعمال به قاعده مرجع ماده ۲۰۸ مرتبط باشد، اما به صراحت اشاره می‌کند که «عملیات حفاری تحت کنترل دولت ساحلی است». دستورالعمل‌ها و استانداردهای ۱۹۸۹ به طور مشابهی، برای حذف تأسیسات و سازه‌های فراساحلی در فلات قاره و در منطقه انحصاری اقتصادی به طور مستقیم به موضوع معیارهای بین‌المللی برای بهره‌برداری از تأسیسات دریایی نمی‌پردازد. در عوض، این موارد توسط IMO برای اجرای تعهد طبق ماده ۶۰ (۳) کنوانسیون حقوق دریاها پذیرفته شده‌اند. بنابراین، استدلال اینکه هر یک از این اسناد معیارهای بین‌المللی را بر اساس ماده ۲۰۸ کنوانسیون حقوق دریاها فراهم می‌نماید، دشوار به نظر می‌رسد. با این حال، این اسناد می‌توانند به عنوان زمینه‌ای برای موافقت‌نامه‌های زیست‌محیطی در نظر گرفته شوند و طبق ماده ۳۲ کنوانسیون وین در مورد حقوق معاهدات، به عنوان ابزار تفسیر تکمیلی به کار گرفته شوند.^{۶۵}

با توجه به معیارهای زیست‌محیطی، شاید شایان ذکر باشد که دستورالعمل‌های IMO، کاربرد برخی مفاد ضمیمه نخست کنوانسیون مارپل را روشن می‌کند. در سال ۲۰۱۰ کمیته حفاظت از محیط زیست دریایی (MEPC) به طور مشابهی، سندی را برای راهنمایی دولت‌ها در زمینه توسعه مقررات ایمنی و جلوگیری از آلودگی و امنیت ذخیره‌سازی و تخلیه شناور صادر کرد. این اسناد

64 Ahley Roach, 'International Standards for Offshore Drilling' in Nordquist, M. et al (eds), 'The Regulation of Continental Shelf Development: Rethinking International Standards' (London: Brill, 2013), pp. 108-109

65 Irina Buga, 'Modification of Treaties by Subsequent Practice', (Oxford: Oxford University Press, 2018), p. 46

مجدداً، از ارائه معیارهای بین‌المللی به‌مثابه قاعده مرجع کوتاهی کردند، زیرا صرفاً تعهدات تحت توافق‌نامه‌های IMO را تکرار کرده‌اند. با این حال قابل توجه است که این ابزارها به دستورالعمل‌های تولید در صنعت اشاره صریح می‌کنند و سهم خود را در جلوگیری از آلودگی ناشی از ذخیره‌سازی و تخلیه شناور ایفا می‌کنند.^{۶۶}

۵.۲. قطعنامه‌ها و گزارش‌های غیرالزام‌آور موافقت‌نامه‌های زیست‌محیطی

بیشتر تعهدات زیست‌محیطی قابل اعمال برای فعالیت‌های تولید انرژی فراساحلی در طول زمان از طریق قطعنامه‌ها و تصمیمات نهادهای معاهده در حال تغییر هستند. بر اساس بسیاری از موافقت‌نامه‌های زیست‌محیطی، کنفرانس طرفین (COP) صلاحیت تصمیم‌گیری در مورد درک الزام آور مفاد قرارداد را دارد. با این حال، بسیاری از تصمیمات و قطعنامه‌های نهادهای معاهده، مانند کمیته‌های علمی، از نظر قانونی الزام‌آور نیستند و ارزش هنجاری آن‌ها به عنوان ابزار تفسیری را نمی‌توان بدیهی تلقی نمود. نمونه بارز چنین امری، رویه کنفرانس اعضای کنوانسیون تنوع زیستی است که در بسیاری از موارد ترجیح داده است از تصمیمات غیرالزام‌آور برای ارائه توصیه‌هایی به طرفین در مورد اقداماتی که برای انجام تعهدات خود باید اتخاذ کنند بهره گیرد.^{۶۷}

۶.۲. ابزارهای غیرالزام‌آور به‌مثابه بهترین تکنیک‌های موجود و بهترین شیوه‌های

زیست محیطی

یکی دیگر از مکانیسم‌های قانونی که ابزارهای غیرالزام‌آور را قادر می‌سازد تا معیار اهتمام لازم را اعلام کنند، مفاهیم بهترین شیوه‌های زیست‌محیطی و بهترین تکنیک‌های موجود هستند. به گفته دیوان بین‌المللی دادگستری، معیار اهتمام لازم در پیشگیری از آسیب زیست‌محیطی ایجاب می‌کند که این اقدامات «مطابق با موافقت‌نامه‌های بین‌المللی قابل اجرا و مطابق با دستورالعمل‌ها و توصیه‌های نهادهای فنی بین‌المللی باشد». در قضیه پالپ میلز، اروگوئه، با هدف اثبات اینکه به

6 MO, 'Guidelines for the Application of the Revised MARPOL Annex I Requirements to Floating, Production, Storage and Offloading Facilities (FPSOs) and Floating Storage Units (FSUs)' Resolution MEPC.139(53) (22 July 2005).

6 Stuart R. Hrop and Diana J. Pritchard, 'A Hard Instrument Goes Soft: The Implications of the Convention on Biological Diversity on Biological Diversity's Current Trajectory', *Global Environmental Change*, 21, (2011), pp. 474-475

تعهدات خود در مورد «ارزیابی دقیق» عمل نموده است، استدلال کرد که فناوری مورد استفاده مناسب‌ترین فناوری برای جلوگیری از آلودگی بوده است، زیرا این تجهیزات پیشرفته توسط ایالات متحده و اتحادیه اروپا به عنوان بهترین فناوری موجود شناخته شده است. دادگاه پذیرفت که هیچ مدرکی برای اثبات ادعای آرژانتین مبنی بر عدم پیروی اروگوئه از بهترین تکنیک‌های موجود (BAT) وجود ندارد. در قضیه موکس پلنت^{۶۸}، بریتانیا نیز به استانداردهای بین‌المللی که در معاهدات و قطعنامه‌های IMO و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی تعیین شده است، استناد نمود.^{۶۹}

به روشی مشابه، دادگاه بین‌المللی حقوق دریاهای تأکید نموده است که معیار اهتمام لازم، تکلیف دولت‌ها برای عمل مطابق با بهترین شیوه موجود را نیز در بر می‌گیرد. این تعهد را می‌توان برخاسته از ماده ۱۹۴ (۱) کنوانسیون سازمان ملل متحد در مورد حقوق دریاهای دانست که تصریح می‌کند دولت‌ها باید از «بهترین ابزار عملی» بهره‌گیرند. پیوند میان معیار اهتمام لازم و بهترین شیوه موجود، ارتباط مهم دیگری را با ابزارهای زیست‌محیطی غیرالزام‌آور ایجاد می‌کند. مسلماً همین امر در مورد بهترین تکنیک موجود نیز باید اعمال شود. کنوانسیون سازمان ملل متحد در مورد حقوق دریاهای به صراحت به آن مفاهیم اشاره نمی‌کند، اما به عنوان مثال در زمینه منطقه‌ای، در کنوانسیون حفاظت از محیط زیست دریایی شمال شرق اقیانوس اطلس (OSPAR)؛^{۷۰} اصطلاح «بهترین تکنیک‌های موجود» به معنای «آخرین مرحله توسعه فرآیندها، تأسیسات یا روش‌های عملیاتی است که نشان‌دهنده مطلوبیت عملی یک اقدام خاص برای محدود کردن تخلیه و انتشار ضایعات است». کنوانسیون اسپار همچنین تعریفی را برای «بهترین عملکرد زیست‌محیطی» به مثابه «به‌کارگیری مناسب‌ترین ترکیب از اقدامات و استراتژی‌های کنترل زیست‌محیطی» ارائه کرده است. حتی اگر این تعاریف توسط توافقنامه‌ای منطقه‌ای ارائه شده باشد، این واقعیت که الزام به پیروی از بهترین شیوه و بهترین تکنیک موجود در اکثر اسناد منطقه‌ای مربوط به فعالیت‌های

MOX Plant

6 Alan Boyle and Catherine Redgwell, 'International Law & the Environment', 3rd edn, (Oxford: Oxford University Press, 2009), 149-150

the Convention for the Protection of the Marine Environment of the North-East Atlantic

انرژی دریایی وجود دارد، می‌تواند به این معنی باشد که این تعهد وضعیت قاعده بین‌المللی را برای اهداف خود مندرج در بند ۳ ماده ۲۰۸ کنوانسیون سازمان ملل متحد در مورد حقوق دریاها کسب نموده است. الزام به اعمال بهترین شیوه و بهترین تکنیک موجود باعث می‌شود که معیار اهتمام لازم با پیشرفت فناوری در طول زمان تکامل یابد. به نظر می‌رسد در صورتی که هر دولتی این دو مورد را اعمال نکرده باشد، ادعای انطباق با معیار اهتمام لازم برای یک کشور دشوار خواهد بود؛ حتی اگر نقش هنجاری بهترین شیوه و بهترین تکنیک را در شکل‌دهی محتوای معیار اهتمام لازم انکار شود، همچنان مبنای مهمی هستند که دولت‌ها تمام اقدامات لازم و مناسب را برای جلوگیری از آسیب‌های زیست‌محیطی دریایی انجام دهند.^{۷۱}

با توجه به مکانیسم‌های حقوقی متفاوتی که در نظر گرفتن اسناد غیرالزام‌آور توسط نهادهای معاهده به منظور تعریف معیار اهتمام لازم را توجیه می‌کند، ارزش هنجاری ضمایم قطعنامه‌هایی که توسط همه دولت‌ها حمایت نمی‌شود، خطری برای حاکمیت آن دسته از دولت‌هایی ایجاد نمی‌کند که عمل تصویب را انجام نداده‌اند؛ اما، امکان درک دقیق‌تر و پیچیده‌تر مفهوم حاکمیت را فراهم می‌کند. آیین دولت‌ها موافقت کرده‌اند که به یک موافقتنامه زیست‌محیطی متعهد شوند که انتظار می‌رود به دنبال پیشرفت‌های علمی و فناوریانه تکامل یابد. دولت‌ها با تبدیل شدن به طرفین چنین توافقاتی، موافقت کرده‌اند که اختیارات نظارتی حاکمیتی خود را در پرتو چنین تحولات هنجاری محدود نمایند؛ به ویژه، متعهد شده‌اند که قدرت تصمیم‌گیری خاصی را به نهادهای تخصصی معاهده تفویض کنند. بسته به منبع نهادی آن‌ها و فرم و رویه‌ای که توسط نهادها تصویب می‌شود، این اعلامیه‌های قانونی غیرالزام‌آور ممکن است به مثابه راهنمایی تفسیری یا معیار اثبات اینکه یک دولت بررسی دقیق را صورت داده است، مرتبط باشند. بنابراین، حتی اگر آن قطعنامه‌ها از نظر قانونی الزام‌آور نباشند، می‌توانند از نظر حقوقی مورد اتکا باشند و دولت‌ها شاید موظف باشند که آن‌ها را در فرآیند تصمیم‌گیری خود در نظر بگیرند. این محدودیت لزوماً به حاکمیت دولت

7 OPAR, Appendix I 1

7 Margaret A. Young, Rioseach Sullivan, and Sebastián Andrés, 'Evolution through the Duty to Cooperate: Implications of the Whaling Case at the International Court of Justice', *Melbourne Journal of International Law* 1, 16., (2015), p. 28

لطمه نمی‌زند بلکه مفهوم حاکمیت را تقویت می‌کند، زیرا محدودیتی است که خودتحمیلی است. مثال اودیسه هومر نشان می‌دهد که چگونه محدودیت خود، در واقع بیانگر حاکمیت است. به گفته هومر، اودیسه تصمیم گرفت زمانی که کشتی وی به کشتی افسانه‌ای سیرن^{۷۳} نزدیک شد، خود را به دکل ببندد. تصمیم اودیسه برای مهار خود به وی اجازه داد تا به نوای سیرن گوش فرادارد و در عین حال مراقب باشد که هیپنوتیزم نشود و به کام مرگ کشیده نشود. ^{۷۴} به همین ترتیب، این رضایت دولت‌ها است که مبتنی بر حاکمیت ایشان است، که تعهدات را برای آن‌ها الزام‌آور می‌کند و به دستگاه‌های نهادی تحت معاهدات صلاحیت می‌دهد تا تصمیماتی را برای شرح بیشتر محتوای تعهدات اتخاذ کنند. اگر دولت‌ها نمی‌خواهند به هیچ وجه تحت تأثیر این تحولات آتی قرار گیرند، حق حاکمیت خود را برای انصراف یا خروج از معاهده حفظ می‌کنند.

نتیجه‌گیری و پیشنهادات

تاریخچه توسعه حقوق بین‌الملل قابل اجرا در فعالیت‌های دریایی را می‌توان در کنفرانس ژنو سازمان ملل متحد در سال ۱۹۵۸ دنبال کرد که اغلب به عنوان کنوانسیون حقوق دریاها شناخته می‌شود. نتیجه این کنفرانس تصویب چهار کنوانسیون در مورد حقوق دریاها بود از جمله کنوانسیون فلات قاره مصوب ۱۹۵۸. در این کنوانسیون بود که به کشورهای ساحلی حق اکتشاف و بهره‌برداری از منابع معدنی فلات قاره خود اعطا شد. بسیاری از کنوانسیون‌های بین‌المللی اگرچه به فعالیت‌های دریایی مرتبط هستند، اما عمدتاً ایمنی صنعت فراساحلی را با تنظیم استانداردهای فنی در نظر گرفته‌اند (مانند کنوانسیون مارپول) یا به واکنشی سطحی برای حوادث منجر به آلودگی فراساحل اکتفا نموده‌اند. هنگامی که صحبت از غرامت و مسئولیت مدنی برای خسارت آلودگی نفتی فراساحلی می‌شود، هیچ کنوانسیون مصوب بین‌المللی وجود نداشته است که به طور خاص به مسائل مربوط به این نوع از مسئولیت چارچوبی فراهم نماید اگرچه کنوانسیون حقوق دریاها شامل برخی مقررات کلی در مورد تعهدات دولت‌ها در تنظیم مسائل مربوط به صنعت فراساحل

۷۳ Sirens: سیرن (به یونانی: Σειρήν)، یا نیمف در اساطیر یونان، گاهی به صورت موجودی با بدن یک پرنده و سر یک زن، و در سایر موارد به شکل تنها یک زن تصویر شده‌است. آن‌ها سه نیمف دریایی بودند که ملوانان را با آوازهای احساس‌برانگیز خود طلسم کرده و به کام مرگ می‌کشاندند.

۷۴ هومر. ایلیاد و اودیسه، ترجمه سعید نفیسی، (تهران: هرمس، ۱۴۰۱)، سرود دوازدهم

است. موافقتنامه‌های منطقه‌ای دریاها نیز عمدتاً به ویژگی‌های هر منطقه دریایی منفرد می‌پردازند و عمدتاً بر اصول کلی مانند استفاده از بهترین فناوری‌ها و تکنیک‌های موجود و امور آلاینده تمرکز دارند. هدف اصلی این برنامه‌های منطقه‌ای، ایجاد همکاری بین طرفین به نفع مناطق دریایی خاصی است. این موافقتنامه‌ها صرفاً حاوی مقررات بسیار کلی و بعضاً مبهم در مورد ایجاد نظام‌های مسئولیت و جبران خسارت برای آلودگی ناشی از فراساحل هستند. در واقع، کنوانسیون‌ها و ترتیبات منطقه‌ای برای ارزیابی عملکرد رژیم‌های حقوقی مختلف در فعالیت‌های فراساحلی کافی نیستند. بنابراین، بررسی قوانین ملی دولت‌ها در مورد فعالیت‌های فراساحلی ضروری می‌نماید که بایستی در تحقیقات آتی صورت‌پذیر شود.

پیشنهادات

- موافقت‌نامه‌های منطقه‌ای در مورد ایمنی زیست محیطی نفت و فعالیت‌های دریایی باید توسعه و تقویت شود.
- تدوین یک کنوانسیون بین‌المللی که مسئولیت و جبران خسارت ناشی از آلودگی ناشی از فعالیت‌های حفاری دریایی را تنظیم می‌کند، باید در اولویت سازمان‌های مربوطه قرار گیرد.
- در صورتی که دولت‌ها ابزارهای لازم فنی، مالی و انسانی برای اجرای مقررات نداشته باشند، قوانین نمی‌توانند تغییراتی ایجاد کنند. لذا، ایجاد ظرفیت‌های دولتی در کنترل مؤثر صنعت فراساحلی چالشی حیاتی است.

منابع و مآخذ

فارسی

الف) کتاب

۱. هومر. *ایلیاد و اودیسه*، ترجمه سعید نفیسی، (تهران: هرمس، ۱۴۰۱).

ب) مقاله

۲. ابراهیم فتح‌آبادی، هادی، «معاهدات بین‌المللی در رابطه با جلوگیری از آلودگی محیط‌های دریایی در اثر فعالیت‌های فراساحلی اکتشاف و تولید

نفت و گاز». *ماهنامه علمی اکتشاف و تولید نفت و گاز*. (۸۲)،
(۱۳۹۰) صص ۲۳-۲۹

۳. شیروی، عبدالحسین و شعبانی جهرمی، فریده، «رژیم بین‌المللی
مسئولیت ناشی از آلودگی فعالیت‌های حفاری فراساحلی»، *فصلنامه
مطالعات حقوق عمومی دانشگاه تهران*، ۴۸(۲)، (۱۳۹۷)، صص
۳۵۷-۳۷۷.

۴. صالحی، جواد و آل کجیاف، حسین، «مسئولیت بین‌المللی دولت حامی
در بهره‌برداری از منابع ناحیه در پرتو بایسته‌های حقوق بین‌الملل محیط
زیست»، *علوم و تکنولوژی محیط زیست*، دوره ۲۳، شماره ۴،
(۱۴۰۰)، صص ۲۱۲-۲۰۱.

۵. قربانی، مریم و بشیری، معصومه، «ارزیابی خسارات زیست محیطی به
محیط دریایی در اثر عملیات نفتی»، *ماهنامه علمی اکتشاف و تولید
نفت و گاز*. (۱۱۳)، (۱۳۹۳)، صص ۱۱-۱۷.

۶. عباسی تبریزی، فرشته، «تحولات حقوق بین‌الملل در خصوص جبران
خسارت ناشی از آلودگی‌های نفتی»، *نشریه حقوق و مطالعات
سیاسی*، ۱(۴)، (۱۴۰۰)، صص ۳۳۰-۳۴۴.

انگلیسی

Book

1. Buga, I., '*Modification of Treaties by Subsequent Practice*', (Oxford: Oxford University Press, 2018).
2. Frank, Veronica, '*the European Community and Marine Environmental Protection in the International Law of the Sea: Implementing Global Obligations at the Regional Level*', (London: Martinus Nijhoff, 2007).
3. Harrison, James, '*Saving the Oceans through Law: The International Legal Framework for the Protection of the*

- Marine Environment*’, (Oxford: Oxford University Press, 2017).
4. Lyons, Youna., ‘*Transboundary Pollution from Offshore Oil and Gas Activities in the Seas of Southeast Asia*’ in Warner, R. and Marsdenm, S. (eds), ‘*Transboundary Environmental Governance in Inland, Coastal and Marine Areas*’, London: Ashgate, 2012).
 5. Scovazzi Tullio., ‘*Maritime accidents with particular emphasis on liability and compensation for damage from the exploitation of mineral resources of the seabed*’, In de Guttry A. *et al* (Eds), *International disaster response law*, (Asser Press, The Hague, The Netherlands, 2012).
 6. Redgwell, Catherine and Boyle, Alan. ‘*International Law & the Environment*’, 3rd edition, (Oxford: Oxford University Press, 2009).
 7. Roach, Ashely, ‘*International Standards for Offshore Drilling*’ in Nordquist, M. et al (eds), ‘*The Regulation of Continental Shelf Development: Rethinking International Standards*’ (London: Brill, 2013).

Papers

8. Cameron, Peter, “Liability for catastrophic risk in the oil and gas industry”, *International Energy Law Review*, Volume 6, 207-219, (2012).
9. Chabason Lucien., “Offshore oil exploitation: a new frontier for international environmental law”, *IDDRI; SciencesPO*, Working Paper N°11/11, (2011). available at: https://www.iddri.org/sites/default/files/import/publications/wp-1111_chabason_offshore.pdf (accessed by 3/3/2023)
10. Chen, Ling., ‘Realizing the Precautionary Principle in Due Diligence’, *Dalhousie Journal of Legal Studies*, 25, 1, (2016).
11. Dupuy, Pierre-Marie., ‘Reviewing the Difficulties of Codification: On Ago’s Classification of Obligations of Means and Obligations of Result in Relation to State

- Responsibility’, *European Journal of International Law*, 10, (1999).
12. Harrop, Stuart R. and Pritchard, Diana J., ‘A Hard Instrument Goes Soft: The Implications of the Convention on Biological Diversity on Biological Diversity’s Current Trajectory’, *Global Environmental Change*, 21, (2011).
 13. IJlstra, Ton, ‘Pollution from Offshore Installations: The Kuwait Protocol’, *Marine Pollution Bulletin*, 8, (1990).
 14. Kashubsky, Mikhail, ‘Marine Pollution from the Offshore Oil and Gas Industry: Review of Major Conventions and Russian Law, Part 1’ 151 *Maritime Studies* 1, (2006).
 15. Lyons, Youna, ‘Offshore Oil and Gas in the SCS and the Protection of the Marine Environment’, *Centre for International Law*, National University of Singapore, (2011). Available at: https://cil.nus.edu.sg/wp-content/uploads/2010/10/OG_SCS_CIL-Part206oct2011-1.pdf (accessed by 3/3/2023).
 16. Plakokefalos, Ilias, ‘Prevention Obligations in International Environmental Law’, Yearbook of International Environmental Law, *Amsterdam Law School Research Paper*, No. 37, Amsterdam Center for International Law, (2013). Available at SSRN: <https://ssrn.com/abstract=2290211>
 17. Rochette, Julien, Wemaëre, Matthieu, Chabason, Lucien, Callet, Sarah, Seeing beyond the horizon for deepwater oil and gas: strengthening the international regulation of offshore exploration and exploitation, *IDDRI, SciencesPO*, Study N°01/14, (2014). available at: https://www.iddri.org/sites/default/files/import/publications/st0114_jr-et-al._offshore-en.pdf (accessed by 3/3/2023)
 18. Tanaka, Yoshifumi, ‘Costa Rica v Nicaragua and Nicaragua v Costa Rica: Some Reflections on the Obligation to Conduct an Environmental Impact Assessment’, *Review of European, Comparative and International Environmental Law*, 26, (2017).

19. Trouwborst, Arie. et al., ‘International Wildlife Law: Understanding and Enhancing its Role in Conservation’, *BioScience*, 67, (2017).
20. Young, Margaret A. Sullivan, Rioseco and Andrés, Sebastián, ‘Evolution through the Duty to Cooperate: Implications of the Whaling Case at the International Court of Justice’, *Melbourne Journal of International Law* 1, 16, (2015).

Regulations, Guidelines, and Advisory Opinion

21. United Nations Convention on the Law of the Sea
22. Responsibilities and Obligations of States Sponsoring Persons and Entities with Respect to Activities in the Area (Advisory Opinion) (2011) ITLOS Rep.
23. International Law Commission (ILC) ‘Draft Articles on Prevention of Transboundary Harm from Hazardous Activities’ UN Doc A/56/10 (11 May 2001).
24. International Law Association (ILA) Study Group on Due Diligence in International Law, ‘First Report’ (7 March 2014).
25. Nicaragua v Costa Rica (Judgment) (2015) ICJ Rep 665 (Costa Rica v Nicaragua cases), Separate Opinion of Judge Dugard.
26. Pulp Mills on the River Uruguay (Argentina v Uruguay) (Judgment) (2010) ICJ Rep 14 para 204 (Pulp Mills).
27. Request for an Advisory Opinion Submitted by the Sub-regional Fisheries Commission (SRFC) (Advisory Opinion) (2015) ITLOS Rep 4
28. South China Sea Arbitration (Philippines v China) (12 July 2016) (PCA Case No 2013□19) ICGJ 495.
29. ILA Study Group on Due Diligence in International Law (2016) Second Report.
30. International Law Commission (ILC) ‘Draft Articles on Prevention of Transboundary Harm from Hazardous Activities’ UN Doc A/56/10 (11 May 2001).

31. The 1990 International Convention on Oil Pollution Preparedness, Response and Co-operation.
32. Convention for the Prevention of Pollution from Ships, Annex I.
33. the 1992 Convention on Biological Diversity
34. the Convention on the Conservation of Migratory Species
35. the Convention on Wetlands of International Importance (Ramsar Convention)
36. the International Convention for the Regulation of Whaling
37. Code for the Construction and Equipment of Mobile Offshore Drilling Units
38. IRENA, 'New IRENA Platform Supports Renewable Energy Innovation, Quality and Collaboration' (6 July 2015).]
39. IMO, 'Guidelines for the Application of the Revised MARPOL Annex I Requirements to Floating, Production, Storage and Offloading Facilities (FPSOs) and Floating Storage Units (FSUs)' Resolution MEPC.139(53) (22 July 2005).
40. The MOX Plant Case (Ireland v. United Kingdom) 2001.
41. Convention for the Protection of the Marine Environment of the North- East Atlantic (adopted 22 September 1992, entered into force 25 March 1998) 2354 UNTS 67 (OSPAR) Appendix I.

Challenges of the environmental damage legal framework in the offshore oil and gas industry

Abstract

Offshore oil and gas activities refer to activities that use marine facilities (as opposed to land facilities) for the purpose of exploration, exploitation, and production of oil or gas. The mentioned activities are sometimes associated with risks to the marine environment and cause damage to the environment and neighboring countries. The present essay has analyzed the legal framework of the mentioned responsibility and the challenges and shortcomings of the existing international and regional regulations in the offshore oil and gas industry with a descriptive-analytical method. Despite numerous international and regional conventions, the legal system of environmental responsibility in this industry is in the beginning stages and has not yet been fully formed. Although regional agreements are more advanced than international conventions in this field, a convention should be drafted and approved by the majority of countries in the field of responsibility and the amount of environmental damage.

Keywords: oil and gas, offshore, liability, damage, environment